**آداب و رسوم و باور‌های ایرانی در تاریخ گردیزی**

**ریحانه فاریابی قنات سامان**

دانشجو دانشگاه شهید باهنر کرمان

Reyhan-far@ens.uk.ac.ir

# چکیده

زین الاخبار نوشته عبدالحی گردیزی، اثر تاریخی و فرهنگی سودمندی در باب پیدایش نخستین حکومت‌ها تا عصر نویسنده است. بخش وسیعی از این کتاب تاریخ ملت ایران را به طور مختصر بیان کرده که شامل پیدایش اولین فرهنگ‌ها و آداب و رسوم و به عبارتی دیگر بازتاب هویت ایرانی است و باورهای عامه، هویت و فرهنگ یک جامعه شناخته می‌شود. روش پژوهش حاضر، توصیفی\_تحلیلی است و داده‌های تحقیق به شیوۀ کتابخانه‌ای فراهم شده است. در این پژوهش، آداب و رسوم و باورهای ایرانی در تاریخ گردیزی جست و جو، بررسی و تحلیل شده است و چنین استنتاج شده که در اثر مورد تحقیق، باورهای مذهبی مختلف، رسوم فرهنگی-آیینی برجسته ، آداب درباری و آوردن رسم‌های نو و شیوه نامگذاری‌ها و سبب و علت آنها بازتاب یافته و این موارد در پژوهش حاضر تحلیل و بررسی شده است.

**کلمات کلیدی:** زین الاخبار، تاریخ گردیزی، فرهنگ عامه، آداب و رسوم، باور

**1-مقدمه**

تاریخ گردیزی یکی از کتابهایی است که اطلاعات و داده های ارزشمند تاریخی را برای اهل پژوهش به یادگار گذاشته ، این کتاب علاوه بر داده های تاریخی از وجوه مختلف ادبی نیز اهمیت والایی دارد و اطلاعاتی در باب ادب و فرهنگ عصر نویسنده و پیش از نویسنده را منعکس میکند.

همانطور که حبیبی ، مصحح کتاب ، در مقدمه زین الاخبار تحلیل کرده است، احتمالا گردیزی در سالهای ۴۴۲-۴۴۳ ه.ق این کتاب را با انشای روان و لطیف زبان دری نوشته است. مصحح این کتاب از دو نسخه موجود در دنیا بهره برده که هر دو نسخه نقص داشته و ابتدای آن در دست نبوده. این نثر تاریخی-ادبی در دوره غزنویان نوشته شده که سبک نوشتاری آن هم مشابه به سبک همان دوره است. از نظر محتوا این کتاب را میتوان به سه بخش: اساطیری، رویدادهای تاریخی ، شرح اعیاد و ملل های گوناگون تقسیم کرد.

بخش اساطیری: این بخش از اول کتاب تا پایان پادشاهی کیانیان را شامل میشود که مشابه داستان های اساطیری و باور های عامه شاهنامه است. بر اساس تخمین های حبیبی در مقدمه زین الاخبار احتمالا سال تولد گردیزی سال۴۰۰ هجری است و در حین نوشتن کتاب باید چهل و اند ساله باشد، یعنی بین قرنهای چهارم و پنجم .اگر مرگ فردوسی، سراینده شاهنامه را مطابق با تحلیل آیدنلو سال۴۱۶ هجری بدانیم چه بسا حتی ممکن است دوران کودکی او هم عصر با دوران کهنسالی فردوسی بوده باشد. بنابر این گردیزی نسخه کامل شاهنامه را در دست داشته و بخش اساطیری خود را با توجه به نقل شفاهی و عامیانه و یا کمک گرفتن از اصل نسخه آن به طور بسیار خلاصه ای نوشته است.

بخش رویداد های تاریخی : بخش اصلی کتاب که گردیزی حوادث تاریخی را با حفظ امانت داری و بدون تحریف در آن از خوانده ها و دیده ها به طور بسیار خلاصه ای بیان کرده. این بخش از اول داستان اسکندر تا عصر زندگی نویسنده است که شامل تاریخ پادشاهان سلسله ساسانیان، اخبار خلفای اسلامی ،اخبار خلفای خراسان است .

بخش شرح جشنها و اعیاد ورسوم ملتهای گونانون: در صفحات پایانی کتاب در باب رسوم و اعیاد و جشن های ملل و سرزمینهای مختلف سخن گفته است ،که در این پژوهش فقط آداب و باور های مختص ایرانیان مطرح شده.

به طور قطع باور ها و ادبیات عامیانه یکی از خزانه های مهم هویت و فرهنگ هر ملتی است و تحقیق و پژوهش در این باب یکی از راه های سیانت از هویت ایرانی، و بقای چند هزار ساله فرهنگ و ادبیات ایران است.

بخش اساطیری و بخش شرح آداب و جشن ها در این پژوهش، بیشترین بسامد باورهای عامه را دارند. هدف از این پژوهش ذکر باور ها و آداب و رسوم ایرانیان در ادوار مختلفی است که گردیزی در کتاب خود آورده و هر کدام از از این باور ها به طور جداگانه تقسیم و به صورت طبقه بندی ذیل موضوعات مختلف آمده اند.

مبحث ادبیات عامه و تاثیر آن در زبان و فرهنگ یک قوم، مبحث جدیدی نیست و نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر جهان هرجایی که فرهنگ و تمدنی تشکیل شده یک زبان عامه و ادبیات جدای از ادب رسمی هم وجود داشته همچنین، باور های هر ملتی با ملتهای دیگر متفاوت بوده است. درهر دوره ای باور ها اندیشه ها و حتی خرافات متفاوتی در فرهنگ هر جامعه تحت تاثیر عوامل مختلف به وجود آمده به طوری که این باور ها در تاریخ و سرنوشت و حتی ادبیات یک ملت تاثیر داشته.

جمالزاده پیشگام در گسترش ادبیات عامه در قالب های داستان کوتاه یکی از مهم ترین افرادی است که درحفظ ادب و فرهنگ عامه کوشش بسیار نموده اند.

حسن ذولفقاری با کتاب« زبان و ادبیات عامه ایران» توضیحات جامع و مفصلی از گستره ادب عامه و ساختار زبانی عامه مردم را در این کتاب مطرح کرده است.

در باب تاریخ گردیزی پژوهش هایی درمورد موضوعات مختلف انجام شده است

«تاریخ نگاری گردیزی در زین الاخبار :رویکرد و روش» نوشته مجتبی خلیفه که این کتاب را به شیوه تاریخ نگاری بررسی کرده است؛ همچنین مقاله های دیگری درباره تحلیل سبک این کتاب، نوشتۀ شفیعی نسب و بررسی زین الاخبار توسط محمد گلبن؛ اما در باب موضوع پژهش حاضر در تاریخ گردیزی تحقیقی صورت نگرفته است و از این رو، انجام چنین پژوهشی ضروری می نماید.

**2- بررسی فرهنگ و باورهای عامه در زین الاخبار**

در اکثر ادوار گذشته باور های عامیانه بیشتر به دلیل عدم سواد و کتابت به صورتهای شفاهی نقل میشده و صورت مکتوب آن به گونه ای بسیار کمرنگ نمایان بوده است محمود روح الامینی فرهنگ مردم را اینگونه تعریف میکند: « میتوان آن را مجموعه ای از دانستنی ها و اعمال و رفتاری دانست که بین عامه مردم بدون در نظر گرفتن و حتی بدون وجود فواید علمی و منطقی آن سینه به سینه و نسل به نسل به صورت تجربه به ارث رسیده است» (روح الامینی،۱۳۵۷)

اما باید در نظر گرفت صورتهای شفاهی به مرور دستخوش تغییرات و دگرگونی هایی میشده و یا گاهی کمرنگ و به فراموشی سپرده میشده بنابر این ما برای دانستن باورها و در نهایت فرهنگ هرملت، در هر دوره باید بیشتر به آثار مکتوب آن توجه کنیم و این آثار را هرچند کم و کوتاه غنیمت بشماریم.زین الاخبار یکی از متون تاریخی ادبی است که بر اساس این پژوهش، باورهای عامه هر دوره را بازتاب میدهد. در ادامه پژوهش این باور ها به صورتهای طبقه بندی شده بر اساس موضوعات متفاوت بیان میشود.

**1-2- خرافات**

یکی ازموضوعات پر بسامد در ادبیات شفاهی به خصوص در اسطوره ها آمدن موجودات یا اعمال غیر طبیعی است که به نوعی خرافات محسوب میشود. درتعریف خرافات میتوان گفت: «وحشت غیر منطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته، مرموز، و خیالی؛ یک عقیده، تردید، یا عادت و امثال آن که ریشه در ترس یا جهل دارد.» (جاهودا،۱۳۸۸)

در ابتدای کتاب بر طبق طبقه بندی محتوایی فوق یعنی بخش اساطیری باور های خرافی بیشتری دیده میشود که نمونه هایی از آن را ذکر میکنیم؛

**الف- عقیده به موجودات موهوم**

در بخش اساطیری زین الاخبار اسامی موجودات موهومی که مشابه با داستانهای فردوسی در شاهنامه اند آمده مانند دیو، پری، و ماران روئیده بر دوش ضحاک.

«وجود این موجودات مختص یک کتاب حماسی اسطوره ای مانند شاهنامه نیست؛ بلکه در تمام آثار حماسی و حتی در پیشینه فرهنگی اجتماعی و باور های باستانی هر ملتی میتوان حوادث غیر طبیعی و موجودات ماورائ طبیعت را مشاهده کرد.» (کجانی حصاری،۱۳۸۵)

دیو: در تعریف دیو در لغتنامه دهخدا آمده: «صورت وهمی غول ، (ناظم الاطبا) موجودات افسانه ای که او را با قدی بلند و هیکلی مهیب و درشت تصور کنند ،عفریت غول.»(دهخدا ،1373)

«چون بر تخت سلطنت بنشست ،دیوان بر مردمان مسلط شده بودند.» (گردیزی،۱۳۴۷ص۱)

فرشته: « ایزد سبحانه تعالی سوی افریدون وحی فرستاد بر زبان فرشته نام او نیرو سنگ تا با کاوه دست یکی کند.» (گردیزی ،۱۳۴۷)

**ب- اعتقاد به جادو**

جادو یکی از عواملی است که مردم تحت عنوان خرافات در گذشته به آن معتقد بودند، اما؛ امروزه فقط تاثیر آن در داستانهای ادبیات کودک باقی مانده است. « سحر و جادو به عنوان یکی از باور های بسیار کهن و پرتوان و تاثیر گذار همواره در اندیشه و زندگی آدمیان وجود داشته .با شکوفایی دانش و خردورزی پرده از نادانسته ها کنار میرود و سحر و جادو کارایی خود را از دست میدهد .با این حال ردپای این باورکهن را هنوز میتوان در قصه ها و افسانه ها دید.» (خدیش،۱۳۸۸)

«و به روزگار او جادوی و فسخ و فجور آشکار شد.»(گردیزی،۱۳۴۷)

**ج- خون به ناحق ریخته شده**

باور خون و خونریزی موضوعات متفاوتی را در بر میگیرد مثل باور به نحس بودن خون سگ باور به روییدن گیاه از خون بیگناه باور به جوشش خون مظلوم و انتقام گیری از صاحب آن. یکی از باور های عامه که در زین الاخبارآمده بادافره برای فردی است که خون شخصی را به ناحق به زمین میریزد.

«دقت در ریخنه نشدن خون برزمین بدان جهت بود که خون از جوشش بیوفتد وانتقام گرفته نشود خون در حماسه نقش عمده ای دارد وجود عقایدی مبنی بر اینکه خون به زمین فرو نمیرود مگر آنکه انتقام او گرفته شود»(شمیسا،۱۳۷۳)

در زین الاخبار آمده:

«و خون آن درودگر او را بگرفت» (گردیزی،۱۳۴۷)

**د- پیشگویی آینده با علم نجوم**

یکی از خرافه های دیرینه بشر پیشگویی به وسیله کواکب و ستارگان است که چندین مورد از آن در زین الاخبار دیده میشود.

«انسانها با توجه به وضعیت سیارات و ستارگان سرنوشت اقوام را به صورت جمعی و انسانها را به صورت انفرادی پیشگویی کرده و حتی به پیشبینی حوادث طبیعی از جمله باران، سیل، طوفان و زلزله پرداختند.»(صادقی،۱۳۸۴)

«علم نجوم نیکو میدانست.روزی او را پرسیدند: که طالع پسران خویش چگونه نگری تا عاقبت ایشان چگونه خواهد بود گفت:چه نگرم که هر سه به یک روز کشته خواهند شد.اندر تعصب عرب و همچنان بود. » (گردیزی،۱۳۴۷)

**2-2- باورهای آیینی مذهبی**

**الف- به تبرک نگاه داشتن شمشیر**

تبرک به معنای طلب برکت است.در باور های دینی اسلام گاه وسایل یا ابزاری را مقدس میشمردند و از بهر تبرک نزد خود نگاه میداشتند و آن را متبرک می شمردند. مثل پیراهن یوسف یا ضریح ها در زیارتگاه های معصومین که به نوعی اظهار ارادت به ایشان است.

در تاریخ گردیزی آمده:

«وسعد را مستجاب الدعوت خواندندی و از بهر مهلب شمشیری فرستاد و آن شمشیر را فرزندان او عقب مهلب از بهر تبرک نگاه همی داشتند.»( گردیزی،۱۳۴۷)

**ب- تقدس آتش**

آتش یک نماد اساطیری است که به واسطه خصلت تطهیر کنندگی و پاک کنندگی در دین زردشت نیز مقدس پنداشته میشده. در باور های مختلف عوام این خصلت آتش به گونه های مختلف نمود پیدا کرده؛ همانطور که در تاریخ گردیزی آمده یکی از راه های اثبات بیگناهی عبور از میان آتش بوده است.

«یکی از دلایل مهم آزمون آتش را در طبیعت دوگانه ویرانگری و تطهیر کنندگی آن باید جست. زیرا در آزمون آیینی آتش، آتش کسانی را که در بند گناه و ناپاکی هستند و به تزکیه وتصفیه روح نپرداخته اند، میسوزاند و رسوا میکند اما به ارواح پاک و جانهای شایسته نه تنها آزاری نمیرساند بلکه پاکی و کمال آنها را ثابت میکند.» (صرفی،۱۳۷۹)

در تاریخ گردیزی آمده:

«آتشی عظیم برافروختند و سیاوش اندر آن شد و به سلامت بیرون آمد.»(گردیزی،۱۳۴۷)

یکی دیگر از نمود های باور به پاک کنندگی این عنصر، سوزاندن تن مرده در آتش است.در برخی از اسطوره ها آتش نشانه تولد دباره است. بنابر این نوعی طهارت روح و تولد دیگری از روح در بین مردم عامه بازتاب یافته است.

«...مادامی که آتش جنازه را به خاکستر تبدیل نکرده، شخص متوفی ناپاک است.او همچنان منتظر است،روحش هنوز از بدنش جدا نشده و طبق بسیاری از باور ها آتش تولید و تولد دباره است.» (لوئیس وینست، ۱۳۹۱(

«... و وصیت کرد تا تن او را به آتش بسوختند»( گردیزی،۱۳۴۷)

**3-2-شیوه ها و رسوم مجازات**

یکی از رسوم و آیین تاریخی بشر که در گذشته با شدت و خشونت رواج داشت، شکنجه های گوناگون که اکثرا در دربار پادشاهان و به دلایلی اعم از سرکوب مخالفان،مجازات افراد مرتد و از دین برگشته و یا برای دستیابی به قدرت بیشتر حاکمان وقت اجرا میشده است.

یکی از شکنجه های تکرار شده در تاریخ گردیزی زنده زنده پوست کندن است که به فجیع ترین شکل ممکن آن را برای مانی پیامبر انجام دادند. از دیگر شکنجه های رایج در دربار که درتاریخ گردیزی ذکر شده: جداکردن یک یک اعضای بدن تا زمان وفات شخص،در دیگ انداختن و پختن شخص،به خناق کشیدن و خفه کردن و آتش زدن شخص است.

«این بهرام مردی جد بود و مانی او را به دین خویش خواند، اجابت نکرد،و مانی را به دست آورد و بکشت،و پوست او بیاهیخت و به کاه بیاگند، و به جندی شاپور بیاویخت.»(گردیزی، ۱۳۷۴)

«بفرمود اسکندر تا هر دو را پوست کندند.. »(گردیزی، ۱۳۴7)

«... برچوب خیمه او را ببستند و بر آتش گرانیدند تا بمرد»(گردیزی،۱۳۴۷)

« به روزگار او علی بن مقله را به تزویر متهم کردند، بفرمود تا یک دست او از آرنج ببریدند.»(گردیزی،۱۳۴7)

**۴-۲-جشنها و اعیاد**

**الف- جشن نوروز**

در باور های زین الاخبار به نوروز اشاره شده و چنین نوشته:

«این روز را نوروز گویند زیرا سر سال باشد و شب با روز برابر شود وسایه ها از دیوار ها بگذرد.و آفتاب از روزن ها افتد و رسم مغان اندر روزگار پادشاهی ایشان چنان بودی :که خراجها اندر این روز افتتاح کردندی.و عجمیان چنین گویند: اندرین روز جمشید بر گوساله نشست و سوی جنوب رفت به حرب دیوان و سیاهان، و معنی زنگیان باشد. با ایشان کارزار کرد و همه را مقهور کرد.» (گردیزی،۱۳۴۷)

**ب- جشن فروردگان یا فروردجان:**

نام جشنی ده روزه است که در ستایش و بزرگداشت فروهرها بوده و در این روز جشن میگرفتند و برای مردگان خود طعامی خاص مهیا میکردند تا مردگان از آن بخورند.

«و به مناسبت نزول فروهر ها باید خانه را تمیز و پاکیزه کرد، گل شیرینی و شربت گذاشت، دعا و نماز خواند و سفره ای که محتوی هفت سین دارد گسترد.»(عرب گلپایگانی،۱۳۷۶)

« فروردگان روزگاریست مر مغان را، که طعام و شراب سازند و به جای بنهند و بگویند روح مردگان ما بیاید و از آن بخورند، و ایشان این ایام را منسوب کشته و پرورش روح دانند و این آخر آبان باشد.» (گردیزی، ۱۳۴۷)

**ج- جشن مهرگان**

این روز در شانزدهم مهرماه بوده بر اساس آنچه در زین الاخبار آمده، در این روز فریدون با کمک فرشته ای به نام نیروسنگ، برای برپایی عدالت با کاوه دست به یکی میکند و بر ضحاک چیره میشود و او را در دماوند درون چاهی زندانی میکند. به مناسبت پیروزی فریدون بر حکومت هزار ساله ضحاک، مردم این روز را جشن میگرفته اند.

ابوریحان چنین نوشته :«شانزدهم روز از مهرماه و نامش مهر و اندر این روز افریدون ظفر یافت بر بیور اسب جادو، آنک معروف است به ضحاک و به کوه دماوند باز داشت و روزها که سپس مهرگان است، همه جشن اند بر کردار آنچ از پس نوروز بود و ششم آن مهرگان بزرگ بود و رام روز نام است و بدین دانندش»(بیرونی،۱۳۶۲)

**د- روز بهمنجنه**

بهمنگان یا بهمنجنه جشنی در ماه بهمن بوده است که در این روز دیگ بزرگی میگذاشتند و آش مخصوصی در آن می پختند و گیاهانی دارویی جمع آوری میکردند تا روز بهمنجنه سال بعد.

گردیزی درمورد این باور رسم ایرانیان اینگونه آورده است:

«اندر این روز دیگی بپزند و از همه نباتها و دانگوها(نوعی غله)و تخم ها و گوشتهای هر حیوانی اندرو کنند، و آن را دیگ بهمنجنه خوانند و بپزند و به هرجای بفروشند.و اندرین روز بهمن سرخ (نوعی گیاه که در ماه بهمن و زمستان میروید) با شیر تازه بخورند، و آن را مبارک دارند و چنین گویند که حفظ را سود دارد و چشم بد بازدارد.» (گردیزی، ۱۳۴۷)

**و-روز ابتدائ باز**

باز به معنای باز ایستادن و انجام ندادن کاری یا حرفی است.در زین الاخبار در مورد رسم روز ابتدا باز آمده:

«این روز را ابتدا باز باشد مغان را ،و این باز را به تازی زمزمه گویند ،و این سخن باز ایسادن باشد، و اندر راستی سخن گفتن به وقت اضطرار.و اندر این روز باز گیرند،و نیز با کس سخن نگویند،و اندر زند ایشان چنان است مر ایشان را: که چون پرستش یزدان کنند به همه اندام باید کرد، و زبان را هم فارغ باید کرد از گفتار،تا پرستش تمام (بود). و این باز به زمان خودن نیز گیرند،و سخن نگویند،تا طعام تمام نخورند.»(گردیزی،۱۳۴۷ص۴۱)

**ه- روز مردگیران**

«اسفند در آیین زرتشت مظهر بردباری و تواضع اهورا مزداست و تخصیص اسفند روز اسفندماه به جشن (روز زن) ایران باستان حکایت از توجه ایرانیان باستان و پیامبرشان، زرتشت، به زنان دارد.»(رجبی،۱۳۶۰)

«این روز پنجم اسفندارمذ باشد ، و این هم نام فرشته ایست که بر زمین موکل است، و بر زنان پاکیزه مستوره ،و اندر روزگار پیشین ،این عید خاصه مر زنان را بودی. و این روز را مردگیران گفتندی ،که به مراد خویش مرد گرفتندی.» (گردیزی،۱۳۴۷)

**5-2-آداب و رسوم درباری**

**الف- طبل زدن در روز صله**

طبل زدن در آداب و رسوم دربار فقط جهت اعلام جنگ ها و یا آمادگی برای شروع جنگ نبوده است گاهی برای رفت به کارزار و یا در مراسم بزم و جشن و خوشی و حتی در زمان اجازه بار دادن نیز اجرا میشده .

«مراسم جشن و شادمانی و پایکوبی در دربار شاهان، معمولا با نواختن موسیقی همراه بوده...هرجاکه پادشاهی به بزم مینشیند، نوازنده ای هم حضور دارد»(میر باقری فرد،یاقوت،1388 )

طبل های جنگی اسامی گونانونی دارند همانگونه که در شاهنامه فردوسی آمده است از بوق، کره نای، شیپور وکوس نام برده شده. این اسامی اکثرا مخصوص جنگ بوده اند و اسامی طبل های بزم با آنها متفاوت است همانطور که در تاریخ گردیزی آمده، مبارک و میمون نام دو طبل است که در هنگام بزم و روز صله دادن نواخته میشده.

در تاریخ گردیزی طبل زدن جهت اعلام جنگ کم و بیش به عنوان آداب ورسوم مخصوص دربار آمده است اما درباره طبل زدن در روز بزم فقط در توضیح دوره صفاریان به عنوان رسمی بیان شده که عمرلیث صفاری هر سال برای دادن صله به حشم، بزمی به پا میکرده و دستور میداد تا دو طبل بزرگ به نام های مبارک و میمون را مینواختند تا حشم خبردار شوند که روز صله است.

«و رسم عمرو چنان بودی: ک چون سر سال بگذشتی، او را دو طبل بود. یکی را مبارک گفتندی و دیگری را میمون. فرمودی تا هر دو طب را بزدندی، تا همه حشم خبر یافتندی، که روز صله است.»(گردیزی،۱۳۴۷ص)

**ب- آویختن تاج در روز بار**

رسم روز بار یا اجازه ملاقات عموم مردم به دربار توسط شاه، معمولا سر سال و روز عید نوروز در دربار پادشاهان اجرا میشده این روز مردم برای بیان مشکلات و ناعدالتی ها برای ورود به دربار اجازه میافتند، و به امید اجرای عدالت و حل مشکلات به دربار میرفتند.

گاه پادشاهان عادل و دلسوز مسائل را مورد بررسی قرار میداده ومشکلات را حل میکردند، گاهی هم پادشاه جهت نشان دادن بزرگی و حشم دربار به مردم و نه برای حل مشکلات جازه بار میداده.

«بر طبق شاهنامه شاهان هنگام بار ترنج یا به از جنس زر که میان آنها تهی و انباشته به بوی خوش بود در دست میگرفتند و محتمل است که گل نیلوفری نیز که شاهان هخامنشی در دست میگرفتند از زر و انباشته به بوی خوش بود. کلاهی که شاهان بر سر داشتند همان تاج بود که به گوهرهای گوناگون مزین بود. ولی این تاج را بر سر نمی گذاشتند، بلکه در بالای تخت به زنجیر نازکی از طلا از طاق آویزان بود، چنانکه چون شاه بر روی تخت می نشست چنان می نمود که تاج بر سر اوست. » (خالقی مطلق، ۱۳۶۶)

«،تاج زرین به وزن هفتاد من از زر و جواهر ساخته بودند از بالای تخت بیاویختند به زنجیر های زرین و امیر مسعود رحمت الله بر آن تخت بنشست و آن تاج آویخته بر سر نهاد و حشم و رعیت را بار داد.»(گردیزی،۱۳۴۷)

**ج- داشتن چندین انگشتری**

این رسم معمولا در دربار اکثر پادشاهان بوده است که چندین انگشتری برای مهر کردن نوشته های متفاوت داشته اند.

«و اندر آن خریطه نه انگشتری بود، که خاصه او بود از بهر مهر کردن داشتی.نخستین انگشتری نگین او یاقوت سرخ بود و نقش او صورت ملک، و گرداگرد او کتابهصفت ملک نوشته، و بدین انگشتری منشور ها و سجل ها مهر کردی. دو دیگر انگشترین نگین او عقیق بود و نقش او خراسان خره،حلقه او از زر، و بدو یادگار ها مهر کردی.و انگشترین سه دیگر را نگین جزع بود، و نقش او سواری که همی تازد،و حلقه او زرین، و بدین خریطهائ بریدان مهر کردی.و انگشترین چهارم را نگین از یاقوت سرخ بود، و نقش او کبش کوهی و حلقه او زرین، و بدو امان نامه ها که از بهرعاصیان نبشتندی مهر کردی. پنجم را نگین یاقوت سرخ بود، و حلقه او به مرصع مروارید،بدو خزینه جواهر و جامه خانه و پیرایه و بیت المال مهر کردی.ششم رانگین آهن حبشی بود، و نقش عقاب،نامه های پادشاهان بدو مهر کردی.و هفتم نگین پادزهر بود و نقش او مگس و بدان دارو ها و خوراکی ها مهر کردی.هشتم را انگشتری خماهن بود، و نقش او سر خوک و نامه هایی که به معنی خون بودی یا کسی را از خون آزا کردی بدان مهر کردی. نهم نگین آهنین بود،چون اندر گرمابه رفتی و ی در آبزن شدی این انگشتری پوشیدی.»(گردیزی، ۱۳۴۷ص۳۷)

**6-2- نام گذاری و القاب**

**الف- نام گذاری نوبندکان**

طبق نوشته گردیزی زمانی که فریدون ضحاک را در بند خود اسیرکرده بود، مدتی به استراحت پرداخت. ضحاک به بنداد شجاع گفت اگرمرا رها کنی نیمی از پادشاهی ام را به تو میدهم، فریدون شنید و برخاست و بندهای دیگری بر ضحاک بست.طبق این داستان در باور عامه، این محل را نوبندکان نام کردند.

**ب- علت نام گذاری گل**

در زمان طاهریان گروهی به نام کامگاریان که به فضیلت شهرت داشتند در خدمت این حکومت بودند.نام جدشان احمد کامگار بود و در مرو گلی میرویید که مردم به آن گل کامگاری میگفتند .طبق توصیف زین الاخبار این گل به غایت سرخ و زیباست.

**ج- نامگذاری ایام**   
طبق باور های عامه در اوستا ارمزد خدایی بوده که روز اول هر ماه را به نام او گذاشته اند و ارمزد فروردین را جشن نوروز میگرفتند

**3- نتیجه‌گیری**

یکی از وجوه شناخت فرهنگ یک تمدن یا کشور دقت در ادبیات عامه آن کشور است. اگر چه فرهنگ عامه بیشتر صورت شفاهی داشته و از نسلهای مختلف به نسل های بعد منتقل میشده ،اما دستخوش تغییراتی بوده که ما از آن اطلاعی نداریم به همین دلیل آثار مکتوب یکی از بهترین اسنادی هستند که بتوان این باور ها را دست نخورده در آن پیدا کرد. تاریخ گردیزی کتابی با اطلاعات تاریخی مهم و همچنین آیینه فرهنگ و ادب ایران در عصر های مختلف است. در زین الاخبار ذیل **باور** هایاین کتاب خرافاتی مثل جادو و پیشگویی با نجوم و باور های مذهبی گونانگون گاهی با اطناب و گاهی به صورت بسیار خلاصه نوشته شده. در ذیل **آداب و رسوم** درباره رسمهای شیوه های مختلف مجازات و اعیاد و رسوم انها که بعضی مانند نوروز حتی تا به امروزه باقی منده اند آمده است. همچنین تعدادی از رسم های مختلف، در دربار پادشاهان و نیز دلایل بضی از ناگذاری ها که در این کتاب آمده به گونه ای زیبا در میان وقاع تاریخی توضیح و گاهی تفسیر داده شده.

**فهرست منابع**

-گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن الضحاک ابن محمود،۱۳۴۷،زین الاخبار، چاپ اول،تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

- آیدنلو، سجاد،1390، دفتر خسروان، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن

- روح الامینی، محمود، 1357، مبانی انسان شناسی، تهران، انتشات زمان

- جاهودا، گوستاو، روانشناسی خرافات، مترجم: محمد نقی براهنی،1388، تهران، نشر آسیم

- کجانی حصاری، حجت،موجودات موهوم در شاهنامه،مجله حافظ، شماره 27، فروردین1385، 73

-دهخدا، علی اکبر،1373،لغت نامه ، تهران، انتشارات روزنه

-خدیش،پگاه، بازتاب و کارکرد های سحر و جادو در افسانه های سحر آمیز، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره 65، پاییز 1388، 151-165

-شمیسا، سیروس،1373، انواع ادبی، تهران، انتشارات فردوس

-صادقی، ارژنگ، سابقه پیشگوی رویداد های طبیعی در ایران با استفاده از علم نجوم، مجله مولوی پژوهی،شماره 6، زمستان 1384

-لوئیس وینست، توماس، آیین های خاکسپاری، مترجم:ناظمی،محمد حسین،مجه اطلاعات حکمت و معرفت، شماره5 ،سال هفتم،مرداد1391

-عرب گلپایگانی، عصمت، 1376، اساطیر ایران باستان، تهران، انتشارات هیرمن

-بیرونی، ابوریحان، التفهیم لاوائل صناعه التنجیم، مصحح:همایی، جلال الدین، 1362،تهران، انتشارات بابک

-رجبی، پرویز ،اسفندگان،جشن زنان ، مجله چیستا، شماره7، اسفند1360

-میرباقری فرد، سید علی اصغر و یاقوت، راضیه، آداب و رسوم دربار پادشاهان در داستان سمک عیار، مجله:نامه انجمن، شماره 33-34، بهار و تبستان 1388

-خالقی مطلق، جلال، بار و آیین آن در ایران(1) ، مجله: ایران نامه، شماره 19،بهار 1366